

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعقیبات

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

اشاره کردیم که افضل تعقیبات، تسبیحات فاطمه‌ی زهرا، صدیقه کبری علیها السلام است و بنابه فرموده‌ی امام باقر علیه السلام اگر چیزی برتر از آن وجود می‌داشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را به دختر بزرگوارشان هدیه می‌دادند. این برترین هدیه‌ی الهی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام عطا کردند.^۱ باز تعبیر امام صادق علیه السلام بود که مصداق ذکر کثیری که قرآن به آن امر کرده است، تسبیحات صدیقه‌ی کبری علیها السلام است^۲ و نیز فرمودند: ما همان‌طور که بچه‌ها را از سنّ کودکی به نماز خواندن عادت می‌دهیم، آنها را به تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام نیز امر می‌کنیم، تا ملکه‌ی ذهن و روحشان شود.^۳ این حدیث را هم خدمتان خوانده‌ایم که امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که بعد از نماز و قبل از اینکه وضع نشستن خود را از حالت دوزانو که برای تشهّد و سلام نشسته است، تغییر دهد، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگوید، با این ترتیب که «اللَّهُ أَكْبَرُ» را ابتدا قرار دهد و با «اللَّهُ أَكْبَرُ» شروع کند؛ حضرت فرمودند: «عَفَرَ اللَّهُ لَهُ» خدای متعال او را مورد مغفرت و بخشش خود

۱. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۳ و حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۳ و مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۶۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۳ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۳۳۱ و صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۹۳.

۳. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۳ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۳۲۸ و صدوق، امالی، ص ۵۷۹.

قرار می‌دهد.^۴ و گفتیم حضرت صادق علیه السلام فرمودند: گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بعد از نماز برای من از هزار رکعت نماز مستحبی محبوب‌تر و در نزد من افضل است.^۵ این نکته‌ها را اشاره کرده بودیم.

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام یکی از اذکار و تسبیحاتی است که به‌عنوان تعقیبات گفته می‌شود. گفتن این تسبیح ادبی دارد و نکاتی در آن وجود دارد که باید آنها را لحاظ کرد، تا بهره‌ی بیشتری از گفتن آن برد.

بحث‌های کلی در رابطه با ذکر را خدمت عزیزان عرض کرده‌ام. در کتاب شراب‌طهور نوشته‌ایم و بحث مفصلی راجع به ذکر داشته‌ایم. در شرح مصباح‌الهدی و مناسبت‌های دیگری هم که پیش آمده است، خدمت عزیزان صحبت کرده‌ایم و نکات دیگری را عرض کرده‌ایم. دوستان را به همان صحبت‌ها و نوشته‌ها ارجاع می‌دهم تا مباحث تداعی شود.^۶

آداب گفتن ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

۴. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۲ و مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱۵، ص ۱۷۳ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۷۸۷.

۵. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۳ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۶، ص ۴۴۴ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۷۸۸.

۶. مهدی‌طیب، شراب‌طهور، ص ۳۰۶ - ۳۱۱ و آدرس‌لینک‌درسایت‌اهل‌ولاء، سخنان‌استاد، مباحث‌سخنان‌عرفانی، شرح‌کتاب‌شراب

طهور و بازخوانی و شرح‌مختصر‌کتاب‌مصباح‌الهدی (۱)، ترک‌های‌مربوط‌به‌ذکر.

این بحث‌ها را هم خدمت عزیزان کرده‌ایم که چه ادبی در مورد گفتن ذکر مراعات شود و اینکه اگر ذکر فقط لقلقه‌ی زبان باشد؛ توجه‌به مفاهیم نباشد و قلب صورت ذکر را پیدا نکند، میوه‌ی ذکر به دست نیامده است. این ذکر لسانی صرف است و ذکر لسانی صرف بهره‌ی چندانی ندارد. گام بعدی آن، ذکر معنوی می‌شود، که انسان با توجه به معنای ذکر، آن را تکرار می‌کند و یک توجه ذهنی دارد. از ذکر معنوی بالاتر، ذکر قلبی است، که دل همراهی می‌کند و دل ذاکر می‌شود. ابتدا زبان ذکر را به قلب تلقین می‌کند؛ سپس طفل دل، زبان به سخن می‌گشاید و از آن پس این قلب است که ذاکر است و ذکر لسانی در پی و در اثر ذکر قلبی به زبان جاری می‌شود.

این را هم گفته‌ایم که برای اینکه انسان بتواند از ذکر بهره ببرد، طمأنینه‌ای در گفتن ذکر لازم است. اینکه انسان به سرعت ذکر را بگوید، فقط به قصد اینکه آن را گفته باشد و تمام شود، بهره‌ای ندارد و لذتی هم از ذکر گفتن نمی‌برد؛ چون ذکر لذت دارد. در روایات داریم که ذکر خدا شیرینی و حلاوت دارد؛ منتهی اگر شما غذایی را، حتی اگر شیرین‌ترین شیرینی‌ها باشد، هول هول و تندتند بخورید، مزه‌مزّه نکنید و در دهانتان نگاه ندارید، طبیعتاً طعم آن برایتان مشهود نمی‌شود. اگر غذا نوشیدنی بود، آن را سر کشیده‌اید و اگر لقمه‌ای بود، سریع فرو داده‌اید. فرصتی ندادید که ذائقه‌ی شما طعم آن را احساس کند. ذائقه‌ی روح هم همین‌طور است. باید به آن فرصت داد تا حلاوت ذکر را درک کند. ضمن اینکه در مرتبه‌ی ذکر معنوی هم، توجه به معانی ذکر مستلزم نوعی آرامش است. بنابراین به صرف اینکه تسبیحات حضرت زهرا ع‌ا‌ل‌ی‌ها را گفته باشم، به سرعت

این ذکر را بگویم، خودم را از آثار فوق‌العاده‌ی فراوانی که در روایات برای تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد، بی‌بهره گذاشته‌ام.

اینجا سؤالی مطرح است که چرا انسان این همه سال این ذکر را می‌گوید، اما آن آثار را به دست نیاورده است؟ دلیلش این است که به حقیقت آن ذکر، ذاکر نبوده؛ بلکه صورتی از آن ذکر را داشته است. باید حقیقت ذکر در جان انسان به وجود بیاید، تا آثار آن ظهور کند. شوخی‌یی هم کرده‌ام؛ گر چه هم شوخی است و هم جدی. اگر خدا توفیق دهد گاهی اوقات که برای نماز به مسجد می‌روم، وقتی امام جماعت نماز خود را تمام می‌کند و یکی از نمازگزاران هم یادآوری می‌کند که تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را فراموش نکنید. یادآوری خیلی خوبی است؛ که یا مکبر آن را می‌گوید و یا یکی از نمازگزاران. البته اگر قرار است یادآوری‌یی شود، بهتر است خود مکبر یادآوری کند؛ چون وقتی نمازگزار این حرف را بزند، اتصال نماز او با تعقیبات قطع می‌شود. این یادآوری برای او نوعی حرف زدن با خلق است و پیوستگی از بین می‌رود. امیدواریم ملکه شود و کسی آن را فراموش نکند. ولی حالا یادآوری هم شد، خیلی خوب بود، سلام را دادند، مشغول تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می‌شوم. واقعاً بعضاً دیده‌ام که شاید به دهمین «الله اکبر» نرسیده‌ام، خیلی از نمازگزارها «سُبْحَانَ اللَّهِ» هایشان را هم تمام کرده‌اند و مکبر هم شروع می‌کند به گفتن مثلاً «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ ...»^۷. یعنی می‌رود سراغ بقیه‌ی تعقیبات. یعنی ما گفتیم و تمام شد. این‌طور سریع، با سرعت و بی‌توجه گفتن چه فایده‌ای دارد؟ انسان بهره نمی‌برد.

۷. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۶.

پس یکی از آداب گفتن ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام طمأنینه، آرامش و توجه است و اینکه انسان در مقام تلقین به قلب باشد.

گفته‌ایم که برای رسیدن به باور و یقین قلبی امری که عقل صحت آن را از نظر علمی و منطقی بررسی کرد و برای او مسلم شد که امر صحیحی است؛ یعنی اگر بخواهیم تصدیق عقلی به باور قلبی تبدیل شود؛ این امر مستلزم تلقین به خویشتن است. یعنی باید آن حقیقت را بارها و بارها به خویش تلقین کنیم، تا تحت تأثیر آن تلقین، امر تصدیق شده‌ی توسط عقل، به قلب منتقل گردد و باور قلبی، به یقین تبدیل شود. چیزی که در حقیقت زندگی ما و در جانمان مؤثر است، باورهای ماست. دوستانی که به کتاب "طیب‌عشق" مراجعه کرده‌اند، حتماً این بحث را در مقدمه‌ی آن ملاحظه کرده‌اند، که راه بهره‌بردن از اعتقادات دینی این است که انسان به باور برسد و الا تا به باور نرسیده‌است، ولو علم آن را هم دارد؛ یعنی عقلاً درستی آن را شناخته است و می‌تواند برای دیگران هم اثبات کند، اما چون باور قلبی نشده است، برای خود او اثری ندارد. همان‌جا اشاره کردیم که بحث معاد چقدر برای ما شناخته شده است! و بسیاری از ما اگر بنا شود بیان کنیم، چه استدلالاتی قوی‌یی هم برای اثبات معاد، زندگی پس از مرگ، رسیدگی به اعمال، دریافت پاداش و کیفر رفتارهای دنیوی‌مان، بلدیم و می‌توانیم بیان کنیم و دیگران را هم متقاعد کنیم! همه‌ی این حرف‌ها درست؛ اما سؤال: واقعاً سر دو راهی‌های زندگی‌مان، آنجا که می‌خواهیم انتخاب کنیم، چقدر حقیقت معاد، جهان پس از مرگ و پیامدهای اخروی جاودانه‌ی انتخاب‌های دنیوی ما، در تصمیم‌گیری‌هایمان تأثیرگذار است؟ بعضاً می‌بینیم علی‌رغم همه‌ی علم و اطلاعاتی که در این زمینه داریم و ذره‌ای تردید عقلی هم در

درستی آن نداریم، اما در واقعیت‌های زندگی ما چندان تأثیری ندارد و بر سر دو راهی‌های انتخاب ما، سمت انتخاب را به ما نمی‌دهد. این برای چیست؟ برای اینکه باور قلبی نشده است. وقتی باور قلبی شود، تأثیر عملی دارد.

اشاره کردیم که باور قلبی از راه تلقین به خویشتن مکرر چیزی که عقلمان از نظر علمی درستی آن را پی برده است، به دست می‌آید. این تلقین هم زبانی است، هم رفتاری. اگر رفتارهای همسوی با آن نحوه تفکر انجام شود، تلقین عملی به خویشتن است و اگر در قالب واژه‌ها هم بیان شود، تلقین لفظی به خویشتن می‌شود و هردوی اینها مؤثر است برای اینکه انسان از مرتبه‌ی تصدیق عقلی به باور قلبی منتقل شود و بتواند میوه‌های شیرین باورهای الهی را بچشد و از آنها بهره ببرد.

بنابراین در تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام این نکته که نکته‌ی عام همه‌ی اذکار است، باید مراعات شود که با توجه، آرامش و با حالتی که انسان به قلب خود تلقین می‌کند و به خود می‌باوراند که مثلاً چرا خودت را در برابر یک قدرت یا یک مقام باخته‌ای؟ چرا خودت را گم کرده‌ای؟ چرا ترسیده‌ای؟ «اللَّهُ أَكْبَرُ». این را برای نمونه عرض کردم و الا خدا می‌داند «اللَّهُ أَكْبَرُ» چه معانی عمیقی دارد! «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اینکه با نمازی که من خواندم، حقّ خدا ادا شده باشد. «اللَّهُ أَكْبَرُ» خدا از این بزرگتر است و «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ»^۸ خدا بزرگتر از آن است که توصیف شود و من با این توصیف‌هایی که در نمازم به‌جا آورده‌ام، حقّ خدا را به‌جا آورده باشم.

۸. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱۸ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۹۱ و مجلسی، بحار، ج ۸۱، ص ۲۵۴.

اسرار و مفاهیم تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

واژه‌های این ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «سُبْحَانَ اللَّهِ» است.^۹ روایتی را هم خواهیم خواند که اگر در پایان این ذکر یک «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفته شود، بسیار بر فضیلت و تأثیر آن می‌افزاید.^{۱۰} اینها همان چیزهایی است که ما در بحث تسبیحات اربعه‌ی رکعات سوم و چهارم نماز هم اسرار و هم ادب آن را مفصل برایتان بیان کرده‌ایم؛ منتهی حالا نکته‌ی خاصی که اضافه بر آن بحث‌ها اشاره می‌کنیم، این است که «سُبْحَانَ اللَّهِ»ی که تسبیحات با آن آغاز می‌شود، یعنی خدا منزّه و بزرگتر از آن است که من توانسته باشم حقّ عبودیت او را به جا آورم؛ «سُبْحَانَ اللَّهِ» خدا منزّه است که این نمازی که من خوانده‌ام شایسته و مناسب با او باشد؛ «سُبْحَانَ اللَّهِ». یا «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» خدا منزّه است و بزرگترست از اینکه این عبادت من لیاقت اینکه به محضر او تقدیم شود را داشته باشد. یا «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اینکه من بتوانم خدا را آنگونه که هست بشناسم. «اللَّهُ أَكْبَرُ» و «سُبْحَانَ اللَّهِ» خدا منزّه است از فهم و شناخت محدودی که من نسبت به او دارم. بنابراین این تسبیح و تکبیر نوعی تنزیه خدا است از آنچه که من در نماز کرده‌ام. نمازم را خوانده‌ام و در پایان آن می‌گویم: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و «سُبْحَانَ اللَّهِ». برای اینکه موقع گفتن این ذکر این حال ایجاد شود، خوب است انسان کمی فکر و تأمل کند؛ نقص و کاستی خود را در عبادت، معرفت و ادای حقّ عبودیت حقّ متعال ببیند. همین‌طور غفلت‌هایی را که در محضر الهی مرتکب شده است،

۹. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۲ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۴۴ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۳۳۳.

۱۰. مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۳۳۵ و برقی، محاسن، ج ۱، ص ۳۶ و بحرانی اصفهانی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۲۹۱.

ببیند؛ چه در کلّ بستر زندگی‌اش، که همه‌جا محضر حقّ است و چه در نماز که نمازگزار به‌طور اختصاصی به مناجات با خدا می‌پردازد و «الْمُصَلِّي بُنَاجِي رَبِّهِ»^{۱۱} به بی‌توجهی‌ها، غفلت‌ها، به اینها فکر کند تا این حال در او ایجاد شود که بگوید خدا منزّه است از عبادتی که من کردم و معرفتی که من دارم.

اینکه انسان در محضر محبوب باشد و غافل از او، جرم خیلی عظیمی است. اینکه بزرگی، یا معشوق و محبوبی به انسان اذن حضور دهد، درحالی‌که حواس و توجه آن بزرگ، یا آن محبوب و معشوق به شخص باشد؛ ولی او که ادّعی عاشقی می‌کند، در محضر معشوق حواسش به بیرون و به دنبال کسب و کارش و به دیگران باشد و به چیزهای دیگر فکر کند. این چقدر زشت و قبیح است! از نظر کسی که زشتی و قباحت این را می‌فهمد، چقدر جرم بزرگی است! کمی به اینها فکر کند که در نماز من در حضور خدا بودم؛ حواسم کجا بود؟ کمی به محرومیت خود از بهره بردن در محضر حقّ متعال، فکر کند؛ آن وقت «سُبْحَانَ اللَّهِ»ها و «اللَّهُ أَكْبَرُ»هایش معنادارتر می‌شود. اگر اینگونه شد، چه بسا همین تعقیبات کاستی‌هایی را که در نمازش وجود داشت، جبران کند؛ چون یکی از کارکردهای تعقیبات جبران کاستی‌های واجبات است. یعنی اصل، نماز و فریضه است. روایاتی هم در تأیید این بحث داریم که بعضاً هم خدمتتان اشاره کرده‌ام. روایتی قریب‌به این مضمون وجود دارد که حضرت نماز می‌خواندند، درحین نماز عبا از یک شانه‌ی حضرت افتاد؛ ولی ایشان کوچکترین توجهی نکردند و نماز را به همان صورت به پایان بردند. بعد از نماز اصحاب

۱۱. مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۲۱۶ و ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌الثالثی، ج ۴، ص ۳۹ و فخرالدین‌رازی، المفاتیح‌الغیب، ج ۲۲، ص ۲۵.

عرض کردند چه شد شما عبايتان را درست نکردید! حضرت فرمودند: من اصلاً متوجه نشدم. من در محضر خدا بودم، چه طور متوجه شوم؟ اصحاب عرض کردند اگر این طور باشد که ما با این نمازهایی که می خوانیم، بدبخت شده ایم؛ حواسمان به همه جا هست جز پیش خدا. حضرت فرمودند: نوافل را خدا برای همین قرار داد که شما با نافله ها کاستی هایی را که در نماز واجبیتان وجود دارد ترمیم کنید.^{۱۲} بنابراین تعقیبات سبب جبران کاستی های اصل نماز و فریضه است. در نتیجه اگر واقعاً در گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام این حال وجود داشته باشد، این امید هست که خدای متعال ناقصی هایی را که ما در اصل نمازمان داشتیم، جبیره، جبران و ترمیم کند.

امیدواریم با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تلقین آنها به قلب، قلب صورت خود این ذکرها را پیدا کند. اگر اینگونه شود، فرد به مراتب بلندی از سعادت و کمال دنیوی و اخروی نایل شده است. این از «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام.

در «الْحَمْدُ لِلَّهِ» آن هم همین است. وقتی می گویی «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، نمازی را که خواندی، عطای خدا می دانی و می گویی «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ ممنونم خدا! نماز را هنر خودت نمی دانی که منت بر خدا بنهی و بگویی من برای تو نماز خوانده ام. نماز را گوهر گرانبهایی می دانی که خدا به تو عطا کرد. قرآن فرمود: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»^{۱۳} اگر حسنه ای به تو رسید، از جانب

۱۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۲ و حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۷۴ و مجلسی، بحار، ج ۸۱، ص ۲۳۸.

۱۳. سوره نساء، آیه ۷۹.

خداست. نماز هم که از اعظم حسنات است. پس توجه می‌کنی که این نمازی را که خواندی، خدا روزی‌ات کرد و از خدا تشکر می‌کنی؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» که توفیق قیام به وظیفه‌ی عبودیت و بندگی را در پیشگاه خودش به من عنایت فرمود.

امید است انسان هنگام گفتن ذکر سعی کند این حقایق را به قلب خود برساند و ذائقه‌ی دل او طعم شیرین این حقایق را بچشد؛ تا از این رهگذر ان‌شاءالله این دل مرده حیات پیدا کند، زنده شود و حیات جاودان که حیات طیبه‌ی انسانی است، نصیب انسان گردد. این اشاره‌ی در مورد ادب گفتن ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام در تعقیبات بود.

ترتیب ویژه در گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

ترتیب ویژه‌ی را برای گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام هم عرض کنم. البته تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام همین سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، پس از آن سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و در پایان هم سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» است. منتهی ترتیبی که خدمتتان عرض می‌کنم، دستور ویژه‌ی است که بهره‌ها و آثار این تسبیحات را مضاعف می‌کند و آثار فوق‌العاده‌ی دارد. شما که الحمدلله به اصل این ذکر موقّقید؛ این ترتیب را هم یاد بگیرید. اگر مراعات کردید، خودتان آثار آن را در عمل خواهید دید.

ترتیب این است: بعد از اینکه سلام نماز را دادید و خواستید تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگویید، ابتدا آیه‌الکرسی (آیه‌ی اول: از «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» تا «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»^{۱۴})

۱۴. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۵.

را با توجه می‌خوانید؛ بعد شروع می‌کنید به گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام؛ یعنی سی‌وچهار مرتبه «الله اکبر»، سی‌وسه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و سی‌وسه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ». بعد از پایان «سُبْحَانَ اللَّهِ» ها، یک‌بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گویید. روایت آن را هم برایتان بخوانم که از امام صادق علیه السلام است. حضرت فرمودند: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبْرِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ رِجْلَيْهِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ علیها السلام الْمِائَةَ وَ اتَّبَعَهَا بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَرَّةً وَاحِدَةً عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ»^{۱۵} کسی که در پی نماز واجب و فریضه‌اش قبل از اینکه پاهای خود را جابه‌جا کند، مثلاً دوزانو نشسته است، قبل از اینکه چهارزانو بنشیند؛ یا حالت نشسته‌اش را تغییر دهد، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام، یعنی این صد ذکر، را بگوید و بعد از تمام شدن آنها، «مَرَّةً وَاحِدَةً» یک‌بار بگوید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ «عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ» خدای متعال او را مورد مغفرت و بخشش خود قرار می‌دهد.

پس ترتیب تا به اینجا اینگونه شد که اول آیه‌الکرسی؛ پس از آن سی‌وچهار مرتبه «الله اکبر»، سپس سی‌وسه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، بعد سی‌وسه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و در آخر یک مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». پس از اینکه این «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را گفتید، سه‌بار سوره‌ی توحید (الإخلاص یا «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ») را می‌خوانید؛ پس از آن سه‌بار صلوات می‌فرستید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و به دنبال آن، سه‌بار آیه‌های دو و سه‌ی سوره‌ی طلاق را می‌خوانید که آموزه‌ی خیلی بلندی در آن است. «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» کسی که تقوا پیشه کند، خدا همه‌ی بن‌بست‌ها را در برابر او خواهد گشود و راه برون رفت از بن‌بست‌ها را بر او می‌گشاید. «وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» و از جایی که او گمان نمی‌برد و اصلاً انتظار ندارد،

۱۵. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۲ و فیض، وافی، ج ۸، ص ۷۸۸.

به او روزی می‌رساند. این روزی، هم روزی‌های معنوی است و هم روزی‌های مادی. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و کسی که اتکال و اتکایش در زندگی به خدا باشد، خدا او را کافی است و او را بی‌نیاز می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ بِالْغَايَةِ أَمْرُهُ» خدای متعال توانمند است و کاری را که می‌خواهد انجام دهد، به فرجام می‌رساند و آن را نیمه‌تمام نمی‌گذارد. «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^{۱۶} و خدا برای هرچیز اندازه و ابعاد معینی تعیین کرده است. چه ابعاد زمانی و چه ابعاد مکانی. خدای متعال برای هرچیز تقدیر و اندازه‌گذاری کرده است. شرح معانی این آیه‌ی شریفه مفصل است؛ فقط خواستم در حدّ ترجمه بدانید.

پس این‌طور شد که بعد از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام، سه‌بار سوره‌ی توحید، سه‌بار صلوات و سه‌بار هم آیه‌های دوم و سوم سوره‌ی طلاق؛ یعنی «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْغَايَةِ أَمْرُهُ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا». وقتی این سه‌بار را گفتید، سرتان را به سمت آسمان بلند کنید و به قصد فتح باب برایتان، بدمید؛ تا درهای آسمان بر شما گشوده شود و مواهب معنوی و مادی نصیبتان گردد. این یک دستورالعمل ویژه برای گفتن ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام است که آثار فوق‌العاده‌ای دارد. اگر موفق شدید بعد از نمازهایتان تسبیحات را به این ترتیب بگویید، پس از مدتی خدای متعال کم‌کم چیزهایی را به شما نشان خواهد داد و آثار این ذکر را به شما ارائه خواهد کرد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۱۶. سوره‌ی طلاق، آیه‌های ۲ و ۳.